

مطالعه و بررسی باستان‌شناختی معماری صخره‌ای روستای ساری‌قیه شهرستان مراغه^۱

سعید ستارنژاد

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی

saeidsattarnejad@yahoo.com

دکتر کریم حاجی‌زاده

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل

سیاوش عبدالمهی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی اداره میراث فرهنگی شهرستان مشکین‌شهر، استان اردبیل

(تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۱ تاریخ چاپ: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰)

چکیده

یکی از شاخص‌ترین آثار صخره‌ای شهرستان مراغه، مجموعه معماری دستکند صخره‌ای روستای ساری‌قیه (ساری‌قایا) است، که تا به امروز پژوهش جامع و کاملی در ارتباط با ماهیت کاربری و گاهنگاری آن‌ها صورت نگرفته است. این محوطه تاریخی، شامل تعدادی فضای دستکند بوده که با پوشش مسطح در بستر صخره ایجاد شده است. انجام این پژوهش درصدد پاسخگویی به دو سؤال بنیادی در رابطه با کاربری و قدمت مجموعه دستکندهاست. هدف از این پژوهش، معرفی، ارایه گاهنگاری نسبی و تحلیل فضاهای دستکند صخره‌ای مذکور است. معرفی، تحلیل نسبی کاربری و زمان ایجاد این مجموعه دستکندها می‌تواند زمینه‌ای برای بررسی‌های دقیق علمی در سطح شهرستان برای شناسایی این‌گونه معماری باشد.

نتایج حاصل از پژوهش براساس بررسی عناصر معمارانه موجود در فضاهای دستکند و تحلیل فضایی، نشانگر کاربری این فضاها به عنوان جان‌پناه، آب‌انبار و دیده‌بانی است. که براساس شباهت عناصر معماری و موقعیت قرارگیری این فضاهای صخره‌ای با محوطه‌های عصر آهن (II - III) منطقه، با قید احتیاط این معماری‌های صخره‌ای را به عصر آهن نسبت می‌دهیم.

واژگان کلیدی: شهرستان مراغه، روستای ساری‌قیه، عصر آهن، کاربری.

^۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه سعید ستارنژاد با موضوع مطالعه و بررسی باستان‌شناختی معماری دستکند شهرستان مراغه می‌باشد.

مقدمه

موضوع پیش رو در واقع عنوان مطالعه‌ای بوده است که در حدود یک دهه گذشته، درباره بیش از ۳۰ محوطه دستکند صخره‌ای در شهرستان مراغه صورت گرفته و وظیفه اصلی آن، علاوه بر معرفی ساختارهای صخره‌ای، رسیدن به مبانی نظری مناسب برای گاهنگاری و تعیین عمکرد این فضاها بوده است. این ساختارهای صخره‌ای در گستره جغرافیایی دامنه‌های جنوبی کوه سهند قرار دارند. که از تنوع و تعدد زیاد، با ارزش‌های فرهنگی - تاریخی جالب توجه و ظرفیت بالای گردشگری (فرهنگی، اکوتوریسم و ژئوتوریسم) است. بر همین اساس لزوم مطالعات باستان‌شناختی جهت شناسایی و معرفی فضاهای صخره‌ای منطقه ضرورت دارد.

بررسی و شناسایی معماری صخره‌ای شهرستان مراغه تقریباً از آغاز دهه ۵۰ ه.ش. با تمرکز بر محوطه صخره‌ای امامزاده معصوم (1975 Vardjavand)، تپه رصداخانه (Ball, 1976) و گویجه‌قلعه (Kleiss, 1973) مورد توجه قرار گرفته است، اما جای بسی تأمل، که تعداد بسیاری از منابع درباره معماری دستکند صخره‌ای مراغه تنها مختص این سه محوطه بوده و از دیگر سازه‌های صخره‌ای شهرستان، انتشارات و گزارش‌های ثبتی در دست نیست. بنابراین پژوهش‌ها و مطالعات معماری صخره‌ای در مراغه شکل جدی و میدانی به خود نگرفته و شناسایی آثار این منطقه تنها به

دو روش تصادفی و مصاحبه‌ای بوده که دارای نواقص و ایراداتی نیز است. در مطالعات باستان‌شناختی معماری دستکند صخره‌ای منطقه مراغه در سال ۱۳۹۴ خورشیدی، گونه خاصی از معماری صخره‌ای در روستای ساری‌قیه شناسایی شد. که در این مقاله می‌کوشیم با استفاده از رویکردهای باستان‌شناسانه پس از معرفی فضاهای صخره‌ای مذکور به تشریح کاربری و گاهنگاری نسبی آن پردازیم.

بیان مسئله

با توجه به اینکه معماری دستکند صخره‌ای روستای ساری‌قیه یکی از شاخص‌ترین ساختارهای صخره‌ای شناسایی شده در محدوده جنوبی حوضه رودخانه لیلان‌چای است و به سبب ناشناخته بودن کمتر مورد توجه قرار گرفته و تاکنون پژوهش جامع و کاملی در رابطه با معرفی، گاهنگاری و کاربری آن صورت نگرفته است. بنابراین درک صحیح از این مجموعه و تفسیر زمان ایجاد آن در چهارچوب گاهنگارانه و تحلیل کاربری فضاهای آن می‌توان خود زمینه مناسبی برای تفسیر نویافته‌هایی دیگر در مناطق همجوار باشد که در زمان آتی در مورد آن‌ها پژوهش خواهد شد. با این تفاسیر انجام این پژوهش در صدد پاسخگویی به دو سؤال بنیادی در رابطه با: گاهنگاری نسبی و زمان ایجاد مجموعه؟ و کاربری فضای آن؟ است.

(صدرالاسلامی، ۱۳۷۸)، سعید ستارنژاد (ستارنژاد، ۱۳۹۱) و هوشنگ بابایی (بابایی، ۱۳۹۱) به معرفی چند اثر صخره‌ای اشاره کرده‌اند. بنابراین مطالعات معماری صخره‌ای در شهرستان مراغه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس پژوهش‌ها و مطالعات معماری صخره‌ای در مراغه شکل جدی و میدانی به خود نگرفته و شناسایی آثار این منطقه تنها به دو روش تصادفی و مصاحبه‌ای بوده که دارای نواقص و ایراداتی نیز است. شناسایی فضاهای دستکند صخره‌ای روستای ساری‌قیه نیز به صورت مصاحبه‌ای از مردم منطقه توسط نگارندگان صورت گرفت. بنابراین پیشینه تحقیق در رابطه با این موضوع، صرف اینکه آثار صخره‌ای مزبور تا به حال کمتر شناخته شده و مطالعاتی در رابطه با آن‌ها صورت نگرفته است، پیشینه تحقیق قابل توجهی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت.

منطقه مورد مطالعه

شهرستان مراغه در پهنه جغرافیایی شمال‌غرب ایران و در جنوب استان آذربایجان شرقی واقع شده است (نقشه ۱). این شهرستان با وسعتی معادل ۲۱۸۵/۶۵ کیلومتر مربع ۴/۸ درصد از کل مساحت استان آذربایجان شرقی را به خود اختصاص داده است و از این لحاظ رتبه سیزدهم را بین شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی دارا می‌باشد. بر اساس تقسیمات کشوری، شهرستان مراغه دارای دو بخش مرکزی و سراجو، ۶ دهستان، ۱۵۸ آبادی

فرضیه‌های مطرح شده در راستای پرسش‌های بالا عبارتند از کاربری به عنوان جان‌پناه (عامل استحضاطی)، آب‌انبار و دیده‌بانی است. و زمان ساخت آن نیز بر اساس مبانی گاهنگاری نسبی به صورت تطبیقی انجام می‌گیرد، مربوط به عصر آهن (II-III)، به بعد است که شواهد آن در محوطه وجود دارد که در راستای انجام پژوهش حاضر این فرضیات به عنوان نتایج پژوهش اثبات شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و تاریخی و گردآوری داده‌ها و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و بر اساس مطالعات میدانی است؛ نگارندگان امیدوار هستند که با استناد به نتایج حاصل از پژوهش‌های میدانی صورت گرفته در سطح شهرستان و همچنین با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای پیرامون آثار صخره‌ای بتوانند به پرسش‌های مطرح در خصوص این معماری پاسخ منطقی و مستدلی ارائه دهند.

پیشینه پژوهش

سیف‌الله کامبخش فرد (کامبخش فرد، ۱۳۴۶)، ولفرام کلایس (Kleiss, 1969-1973)، پرویز ورجاوند (Vardjavand, 1970)، وارویک‌بال (Vardjavand, 1976-1979)، جزو نخستین افرادی بودند که به معرفی و پژوهش معماری‌های صخره‌ای مراغه پرداختند. پس از آن افرادی مانند فخرالدین صدرالاسلامی

دارای سکنه و ۱۳ آبادی خالی از سکنه می‌باشد (فرمانداری شهرستان مراغه، ۱۳۹۷).

روستای ساری‌قیه از توابع بخش سراجو (رزم-آرا، ۱۳۳۰/۴: ص ۳۲۰)، دهستان سراجوی غربی در حاشیه جنوبی حوضه رودخانه لیلان‌چای و در همسایگی روستاهای اوخچی، گوئیجه‌قلعه، کوسه-صفر و قطان (قاتان) واقع شده است (نقشه ۱). این روستا در فاصله ۳۰ کیلومتری (خط مستقیم)، جنوب‌شرقی شهر مراغه و ۸ کیلومتری جاده آسفالته مراغه به سرآسکند (هشترود) (مروارید، ۱۳۶۰: ص ۸۹) و در مختصات جغرافیایی $37^{\circ}12'9.09''N$ و $46^{\circ}28'28.74''E$ قرار گرفته است. در گذشته محل دسترسی به روستا با مشکلات زیادی همراه بوده و امروزه با آسفالت شدن مسیر ارتباطی تا حدودی امکان دسترسی و تردد برای مردم روستا هموار شده است.

روستای ساری‌قیه در حاشیه رودخانه لیلان-چای و در کمرکش کوه صخره‌ای شکل گرفته است. نام‌چای روستای ساری‌قیه از دو واژه ترکی «ساری» به معنای زرد رنگ، و از پسوند «قیه / قایا» به معنای صخره الهام گرفته، که وجه تسمیه روستا، نشانگر شکل‌گیری روستا در دامنه صخره است.

چشم‌انداز روستا رو به دره‌ای است که در پایین دست آن رودخانه لیلان‌چای به‌عنوان مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده آب منطقه جریان دارد (مروارید، ۱۳۶۰). نظام اقتصادی روستای ساری‌قیه مانند اکثر روستاهای منطقه سراجو بر کشاورزی و دامداری

استوار است. بر اساس مطالعات باستان‌شناختی صورت گرفته در روستای مذکور، آثار و شواهدی از یک آسیاب آبی قدیمی، قبرستان تاریخی و مجموعه ساختارهای صخره‌ای شناسایی شد.

زمین‌شناسی منطقه

شهرستان مراغه از نظر مسائل زمین‌شناسی و ژئومورفولوژی بسیار حائز اهمیت است. در اکثر دوران‌ها، تشکیلات زمین‌شناسی قابل توجهی در این منطقه به‌وجود آمده، که می‌توان به معادن زغال‌سنگ آن مربوط به دوره کربونیفر و تشکیلات آذرین مربوط به دوره فعالیت آتشفشانی سهند، اشاره کرد (خاماچی، ۱۳۷۰: ص ۴۶۰). تشکیلات زمین‌شناسی شهرستان مراغه از دوران دوم شروع می‌شود. دوران دوم شامل؛ تشکیلات دوره‌های تریاسی، ژوراسیک، کرتاسه، انواع ماسه‌سنگ‌ها و آهک‌های فسیل‌دار می‌باشد. آهک‌ها نتیجه تجزیه و تخریب تشکیلات آهکی اصلی بوده و چشمه‌های فراوان در آن یافت می‌شود، ضخامت آبرفت در نواحی مختلف متفاوت است و از ۱۰ تا ۸۵ متر متغیر می‌باشد. در ناحیه مراغه حداکثر ضخامت آبرفت در مسیر رودخانه ۸۵ متر و در کناره‌های دشت به حدود ۵ متر می‌رسد (مروارید، ۱۳۶۰: ص ۱۸). سنگ‌های آتشفشانی در این منطقه دارای طیف وسیعی بوده و شامل انواع سنگ‌های پیروکلاستیک و اپی‌کلاستیک و گدازه‌ها می‌باشند

وجود چنین وضعیتی به واسطه لایه‌های توف‌های آتش‌فشانی کارپذیر و قابل حفاری، دامنه‌های کوه سهند را از هزاره‌های پیشین مأمن و مسکن گروه-های انسانی ساخته است (رازانی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۴۵).

معماری صخره‌ای

آثار صخره‌ای بنا بر ضرورت و نیاز جوامع انسانی در آدوار مختلف و موقعیت‌های خاص و متفاوتی توسط انسان به وجود آمده که دارای کاربری‌های متفاوتی از جمله: محل سکونت، پناهگاه، انبار غلات و علوفه، محل نگهداری حیوانات و کاربری‌های دیگری بوده‌اند (باصفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸). که در هر منطقه به دلایل اقلیمی و شرایط زیست محیطی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است (محمدی‌فر و همتی ازندریانی، ۱۳۹۵: ۹۸). بر همین اساس هر بنای دستکند بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی اقلیمی و شرایط خاص آن ناحیه (باصفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸)، و مطابق با نیازهای ساکنان منطقه شکل می‌گیرد (Emge, 1992: 4).

معماری صخره‌ای که معادل انگلیسی آن Rock Cut Architecture می‌باشد (113: 1988; Kempe,). گونه خاصی از معماری است که در آن هیچ مصالحی برای تولید فضا استفاده نمی‌شود و

که به شکل روانه گنبد و استراتولکان^۲ دیده می‌شوند. واحدهای سنگی در این منطقه با الگوی مشخصی جای‌گیری کرده‌اند، به طوری که سنگ-های پیرو کلاستیک و اپی‌کلاستیک با ضخامت قابل توجه و رخساره انفجاری در شروع فوران‌ها تشکیل قرمز فوقانی (U.R.F) با سن میوسن فوقانی را قطع کرده و یا با مرز دگر شیبی زاویه‌دار بر روی آن‌ها قرار دارند (پیرمحمدی علیشاه، ۱۳۹۰: ص ۶). به‌هنگام بروز آتش‌فشان، گدازه‌ها و خاکسترها و مواد مذاب با آب ناشی از ذوب برف‌ها و باران‌های سیل‌آسا، مخلوط شده، همراه با سنگ‌های کوچک و درشت به صورت توده‌های درهم از جنس گل در می‌آیند. این توده‌های روان گلی در اصطلاح زمین‌شناسی، لاهار^۳ نامیده می‌شوند. در آذربایجان به مجموعه و مخلوط لاهار، ایگنیریت^۴ و پونس که غالباً سفید رنگ است «کیران»^۵ گویند. در منطقه سهند مجموعه لاهار، ایگنیریت و پونس (کیران)، با مشارکت گدازه‌ها، بسیاری از دره‌ها و گودی‌های قدیمی را پر کرده و مورفولوژی خاصی به منطقه داده است (خاماچی، ۱۳۷۰: ص ۵۹). در واقع می‌توان گفت محل اصلی معماری صخره‌ای منطقه همین دره‌های موجود و لایه وسیع توف آتش‌فشانی گسترده شده در دامنه کوهستان سهند است که روستاها، آبادی‌ها و استقرارهای این منطقه را در خود جای داده‌اند.

4. Eginmirit

5. Kiran

2. Stratulkan

3. Lahar

در مطالعات معماری ایرانی کمتر بدان پرداخته شده و ناشناخته باقی مانده است (229: 1979 Ball).

آثار صخره‌ای با کاربری استحضافی

از قرن‌های دور در کشور ما سکونتگاه‌های زیرزمینی وجود داشته که با دست، کنده شده و به‌عنوان پناهگاه مورد استفاده قرار می‌گرفته است (بیرانوند، ۱۳۹۲: ص ۷۳). امنیت به‌عنوان مهم‌ترین فاکتور شکل دهنده معماری صخره‌ای (۹۰٪) اولین و مهمترین عامل مداخله‌گر در شکل‌گیری معماری روستای کندوان است (پورمحمدی و نصرالله‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۹۳). اهمیت دفاعی معماری دستکند در مقابل انسان و حیوان مهاجم نیز، غیر قابل انکار است. در این نوع معماری جنبه‌های دفاعی مسکن در برابر هجوم انسان‌ها، حیوانات و حوادث طبیعی و بیش از سایر عوامل مورد نظر است (شهبازی و منتظر، ۱۳۷۱). زمین همواره به‌عنوان نخستین جایگاه و مصالح ساخت سرپناه، نقش به‌سزایی در شکل‌گیری معماری داشته است و به کارگیری اصول پدافند غیر عامل به‌عنوان راهکاری جهت کاهش خطرپذیری در برابر خطرات مختلف و افزایش کارایی پس از وقوع خطر در ایران سابقه طولانی دارد و نشان می‌دهد که طراحی مجتمع‌های زیستی زیرزمینی یک نمونه از شیوه‌های ابتکاری، هنرمندانه و خردمندانه مردم ایران در پدافند غیر عامل است که در طول تاریخ به‌دلیل

با زدودن توده‌های صخره‌ای توسط انسان از بستر کوه و سنگ، فضا تولید می‌شود و گواهی از پافشاری بشر در ساخت سازه‌های باشکوه است (Nisar khan, 2015: 30). بر همین اساس هرگاه در صخره‌ای حفره‌ای ایجاد شود و به‌تدریج حفره را وسعت دهیم تا فضاهای مورد احتیاج، مثلاً خانه یا آرامگاه و غیره ایجاد شود، این مبارزه انسان با طبیعت را معماری صخره‌ای می‌نامند (شهبازی و منتظر، ۱۳۷۱: ص ۵۴). این معماری در دهکده‌ها منازل و معابد، دژها و مقابری دیده می‌شود که تماماً در دل صخره‌های سخت کنده شده‌اند (شکاری‌نیری، ۱۳۷۲: ص ۱۹). تعیین تاریخ پیدایش معماری صخره‌ای همانند اولین خانه‌های انسان کاری مشکل و ناممکن است، ولی آنچه مسلم است معماری صخره‌ای ابتدا در مناطقی به‌وجود آمده که صخره‌های آن از استحکام کمتری برخوردار بوده و انسان‌ها توانسته‌اند درون صخره‌ها را حفر و برای خود مأمن و پناهگاه سازند (شهبازی و منتظر، ۱۳۷۱: ص ۵۴). بر همین اساس شکل‌گیری معماری دستکند به‌عوامل متعددی از جمله شرایط اقلیمی و جغرافیایی، دفاعی و امنیتی، ماندگاری و جاودانگی، دینی و مذهبی بستگی دارد که در بستری از شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌وجود آمده است (محمدی‌فر و هم‌تاریخ‌اندازی، ۱۳۹۵: ص ۹۷). هرچند در ایران معماری دستکند صخره‌ای از تنوع خاص برخوردار می‌باشد، اما متأسفانه

هزاره اول ق.م، یعنی دوره ماناها و اورارتوها موجود بوده است (ناصری صومعه و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۱۵۵). مردم اورارتو تنها استادکارها صخره‌ها برای پایه‌گذاری دیوارهای ساختمان‌های خویش نبودند بلکه برای آبیاری قصبات و برآوردن نیازهای آبی شهرها و دژها دست به ساختمان تونل‌ها، ترعه‌ها و نهرها و آب‌انبارها می‌زدند (کلایس، ۱۳۴۸: ص ۲۹۸). بر این اساس نوع کاربرد آب‌انبارها در منطقه را می‌توان بنابر دلایل زیر دانست: ۱) ساخت آب‌انبارها جهت ذخیره آب مورد نیاز ساکنین در قلعه‌های نظامی و همچنین در مواقع اضطراری و جنگ. این نوع آب‌انبارها در گویجه‌قلعه و نزدیک آن و همچنین در داش‌قلعه عجب‌شیر دیده می‌شود. ۲) ساخت و کندن آب‌انبارهای منفرد و دور از مکان‌های پرآب. این نوع آب‌انبار برای ذخیره عشایر و گروه‌های کوچ‌رو بوده است که امروزه نیز در منطقه به روال قدیمی حضور دارند (رازانی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۵۵).

آثار صخره‌ای کوه‌لر دره‌سی روستای ساری-

قیه

رودخانه لیلان‌چای مهمترین منبع تأمین کننده آب روستاهای بخش سراجوی جنوبی شهرستان مراغه است. این رودخانه از دامنه‌های جنوبی کوه سهند سرچشمه می‌گیرد (مروراید، ۱۳۶۰: ص ۱۳). در حوزه آب‌گیر رودخانه لیلان‌چای تعدادی محوطه

موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی، همواره در معرض هجوم اقوام مختلف بوده است (بیرانوند، ۱۳۹۲: ص ۶۸). و به کارگیری ملاحظات دفاعی و امنیتی در ایجاد سکونتگاه‌های اولیه و سپس روستاها و طراحی شهرها به شدت مورد توجه بوده است. ذکر این نکته در اینجا ضروری است که برخی از مجموعه‌های دستکند ممکن است کاربری‌های مختلفی تاریخی داشته باشند؛ به‌طور مثال در مورد مجموعه زیرزمینی سامن ملایر بر اساس کاوش‌های باستان‌شناختی مشخص گردید که این مجموعه دارای کاربری‌های آیینی، تدفینی و مخفیگاهی در دوره‌های احتمالاً قبل از اشکانی، اشکانی و قرون میانی و متأخر اسلامی بوده است (محمدی‌فر و همتی ازندریانی، ۱۳۹۵: ص ۱۰۸). معماری صخره‌ای از گونه استحفاظی سهند را می‌توان در قلاع نظامی و حکومتی منطقه سهند بررسی کرد. عمده ویژگی دژها و قلعه‌های ساخته شده در صخره‌کندهای سهند، چون دیگر نقاط، مربوط به ماهیت استحفاظی و دسترسی آن‌هاست (رازانی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۵۴).

آثار صخره‌ای با کاربری آب‌انبار

آب‌انبارها از جمله تأسیساتی هستند که برای ذخیره‌سازی آب در زمستان و استفاده در تابستان یا شرایط سخت، مثل جنگ کاربرد داشته‌اند. آب‌انبارها به اشکال و اندازه‌های مختلفی در طی تاریخ ایجاد شده‌اند. در شمال‌غرب ایران آب‌انبارها از

از این بین ۳ عدد نسبتاً سالم باقی‌مانده و تا حدودی شاخص‌تر از ۴ فضای صخره‌ای دیگر بود. این آثار صخره‌ای را به ترتیب از سمت جنوب محوطه با اعداد ۱ تا ۷ شماره‌گذاری شد.

این ناحیه از حوضه رودخانه لیلان‌چای، کوه‌های نسبتاً بلند با دره‌های نیمه باز و اقلیم سرد و کوهستانی دارد. بستر طبیعی زمین، بیشتر سنگلاخی است و ضخامت خاک آن در نواحی مختلف متفاوت و عمدتاً کم است. رودخانه‌ای فصلی که بستر آن در فاصله حدود ۲۵۰ متری از شرقی محوطه واقع شده (تصویر ۲) و چشمه دائمی و آب‌انبار صخره‌ای از مهمترین منابع تأمین کننده آب این محوطه است. پوشش گیاهی منطقه، بیشتر شامل محصولات دیمی (گندم، نخود و جو) و گیاهان وحشی از جمله گون است که پراکندگی آن‌ها در تمام منطقه یکسان نبوده و در جاهای مختلف متناسب با میزان عمق خاک تراکم آن‌ها متفاوت است. در ادامه این آثار صخره‌ای بررسی می‌شود.

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۱

این معماری اولین و جنوبی‌ترین اثر از مجموعه آثار هفت‌گانه واقع شده روی دامنه کوه ساری- قایاست. طول دهانه آن به دلیل تخریب فرم اولیه خود را از دست داده و امروزه ابعاد دهانه ورودی نامنظم (تخریب شده)، آن در حدود ۳ متر دارد. این ساختار صخره‌ای با پلان به شکل نیم‌دایره ۴۰۰

تاریخی (قبرستان، قلعه، محوطه، ساختار صخره- ای) وجود دارد اما تاکنون مطالعات باستان‌شناسی جهت معرفی آثار این حوزه صورت نگرفته است. بر همین اساس این پژوهش نخستین گام جهت معرفی و مطالعه یکی از آثار تاریخی این حوزه است. نگارندگان در مطالعات باستان‌شناختی معماری صخره‌ای (۱۳۹۴ شمسی)، در حوضه آب‌گیر رودخانه لیلان‌چای، تعدادی فضای صخره‌ای شناسایی کردند. این فضاها دست‌کنند صخره‌ای در حوالی روستای ساری‌قیه (ساری‌قایا)، و در بخش دامنه شرقی و جنوبی کوه تراشیده شده‌اند. چنین آثار صخره‌ای در میان مردم بومی منطقه به «کوهولر دره‌سی» شهرت دارد. «کوهول» در زبان ترکی به معنای غار است. از این رو، اهالی ترک زبان منطقه معتقدند این‌گونه آثار صخره‌ای، محلی برای سکونت و جان‌پناه در مقابل حملات بوده‌اند. مجموعه آثار صخره‌ای کوهولر دره‌سی روستای ساری‌قیه از نظر مختصات جغرافیایی مدارهای ۳۷ درجه و ۱۳ دقیقه شمالی - جنوبی و نصف‌النهار ۴۶ درجه و ۲۹ دقیقه منتهی‌الیه غربی - شرقی قرار دارند.

در دامنه کوه مشرف بر رودخانه لیلان‌چای، تعدادی فضای صخره‌ای قرار دارد (تصویر ۱). این ساختارهای دست‌کنند در دو جبهه جنوبی و شرقی کوه در فواصل مختلف از هم قرار گرفته است. طی بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارندگان، در مجموع ۷ عدد آثار صخره‌ای شناسایی شد، که

نشان می‌دهد که این فضا جهت جان‌پناه مورد استفاده قرار گرفته است. این اثر همانند دو اثر قبلی با پلانی به شکل نیم‌دایره ۴ متر طول در راستای شرقی - غربی، ۵ متر در راستای شمالی - جنوبی و ۲ متر ارتفاع دارد. ورودی آن از سمت جنوب بوده که به دلیل قرار گیری در دامنه کوه و وضعیت خاص سنگ‌های مقابل به راحتی قابل مشاهده نیست. پوشش داخل فضا به صورت تخت می‌باشد. در سطح دیوارها آثاری از آتش‌سوزی دیده می‌شود. درگاه ورودی به وسیله‌ی دو پله که آثار آن تا حدودی قابل مشاهده است به فضای داخل وصل می‌شود. درگاه رو به پرتگاه دره منتهی شده و راه دسترسی به آن تا حدودی مشکل است. همچنین موقعیت قرارگیری زاویه درگاه نیز به گونه‌ای، که امکان رؤیت از فاصله دور غیر ممکن کرده است. بر این اساس این اثر صخره‌ای در راستای جان‌پناهی (استحفاظی)، شکل گرفته و متأسفانه به مرور زمان دچار آسیب شده است (تصویر ۵).

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۴

اثر صخره‌ای شماره ۴ در بالاترین قسمت کوه و در دامنه شرقی آن که با اشرافیت کامل نسبت به محیط اطراف قرار دارد. طول دهانه ورودی آن در حدود ۱۳۵ سانتی‌متر و عرض ۸۰ سانتی‌متر است. این اثر با فرم پلان تقریباً مستطیل با پوشش مسطح بوده، زاویه قائمه و خوش تراش دارد با ۳ متر طول

سانتی‌متر طول در راستای شمالی - جنوبی، ۳۵۰ سانتی‌متر عرض در راستای شرقی - غربی و ۲ متر ارتفاع دارد. ورودی آن رو به سمت جنوب، یعنی رو به سمت پرتگاه دره است. پوشش این فضا به صورت مسطح، که آثار تیشه در سطح آن قابل مشاهده است. قسمت وسیعی از این فضا تخریب شده که در کف این فضا آثاری از سنگ‌های خرد شده دیده می‌شود (تصویر ۳).

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۲

اثر صخره‌ای شماره دو همانند اثر صخره‌ای شماره یک، در دامنه جنوبی کوه قرار دارد. دهانه ورودی آن تخریب شده و ابعاد آن امروزه در حدود ۳۰۰ سانتی‌متر است. فرم پلان داخلی اثر به صورت نیم‌دایره با پوشش تخت می‌باشد. این اثر نیز همانند اثر شماره ۱ دچار تخریب شده و فرم اولیه خود از دست داده است. دهانه آن رو به سمت جنوب که امروزه آثاری از گیاهان پوشانده است. نکته جالب در این اثر صخره‌ای قرار گیری درگاه در ارتفاع حدود نیم متری از سطح کف فضا می‌باشد (تصویر ۴).

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۳

اثر صخره‌ای شماره ۳ در فاصله حدود ۱۰ متری از فضای شماره ۲ در سمت شرقی آن و در دامنه جنوبی کوه قرار دارد. طول دهانه آن در حدود ۴۵ سانتی‌متر است. این فرم کوچک درگاه ورودی

عرض ۶/۵۰ سانتی‌متر در راستای شمالی - جنوبی و ۳ متر ارتفاع آن است. البته به دلیل انباشت خاک و سنگ که بخشی از آن به دلیل حفاری غیر مجاز که در کف آن صورت گرفته و بخشی دیگر احتمالاً از بیرون وارد گشته پر شده است. بر این اساس کف این اثر صخره‌ای قابل شناسایی نیست. در درون خاک تکه سنگ‌های دیده می‌شود که مشابه سنگ‌های بیرون محوطه است. پوشش فضا به صورت مسطح بوده (تصویر ۷)، که از این نظر قابل مقایسه با معماری‌های صخره‌ای هزاره اول و دوم ق.م. منطقه است. در آثار معماری صخره‌ای تا دوره هخامنشی سطوح مسطح و راست گوشه بدون خطوط منحنی در درگاه‌ها و پوشش سقف-هاست (گریشمن، ۱۳۷۱: ص ۲). گوردخمه مانایی فخری‌کا با پوشش مسطح بوده، زاویه قائمه و خوش تراش دارد (ملازاده، ۱۳۹۳: ص ۳۶۲)، سقف مقبره اسماعیل‌آقا بسیار خشن و نامنظم تراشیده شده است که بر اساس سفال‌های بدست آمده متعلق به قرن ۷ ق.م. می‌باشد (108-109 Kroll, 1977). گوردخمه وره‌رام در شوتلو آذربایجان غربی و گوردخمه شیطان‌آباد در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال میان‌دوآب دارای پوشش مسطح است (حاجی‌زاده، ۱۳۷۴)؛ دخمه سنگر در فاصله ۹ کیلومتری شمال ماکو (101: 1981 Hulsteyn)، و گوردخمه و اتاق مربع شکل گویجه‌قلعه مراغه دارای پوشش مسطح است (Kleiss, 1973) (تصویر ۸). بر همین اساس با

در راستای شمالی - جنوبی و ۲ متر عرض در راستای شرقی - غربی و ۲ متر ارتفاع دارد. در سطح دیوارهای این اثر صخره‌ای آثار تیشه و دودزدگی دیده می‌شود. کف فضا با انباشت خاک و خاکستر پر شده است و در کف قسمت شمالی چسبیده به دیواره غربی، حفاری غیر مجاز در ابعاد ۵۰*۱۰۰ سانتی‌متر و عمق ۷۵ سانتی‌متر انجام شده است (تصویر ۶).

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۵

اثر صخره‌ای شماره ۵ در شیب دامنه شرقی کوه قرار دارد. دهانه آن از اطراف به سختی قابل شناسایی است و به صورت یک حفره بسیار کوچک دیده می‌شود. طول دهانه ورودی آن در حدود ۶۵ سانتی‌متر و عرض ۴۷ سانتی‌متر است که به وسیله ۹ عدد پله صخره‌ای با شیب نسبتاً تند به فضای داخل منتهی می‌شود. پله‌ها در داخل فضا و به طرف پایین و در ابعادهای به شرح زیر است: پله اول: ۶۰×۲۳ در ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر، پله دوم: ۶۵×۲۳ و ارتفاع ۳۵، پله سوم: ۹۴×۲۲ و ارتفاع ۳۵ این پله تا حدودی شکستگی دارد، پله چهارم: ۱۰۴×۲۳ و ارتفاع ۳۴ سانتی‌متر، پله پنجم: ۱۱۰×۲۰ و ارتفاع ۳۳ سانتی‌متر، پله ششم: ۱۲۰×۲۲ و ارتفاع ۳۴ سانتی‌متر و پله هفتم: ۱۲۵×۲۳ و ارتفاع ۳۲ سانتی‌متر قرار دارد (تصویر ۶). این اثر صخره‌ای با پلان مستطیلی شکل به طول ۱۳/۵۰ متر در راستای شرقی - غربی و

تونل صخره‌ای در درون سنگ آهکی سست «کران» و با شیب ملایم رو به پایین کنده شده است. بعد از طی ۱۸ عدد پله به یک فضای تقریباً دایره‌ای شکل که بر اثر ریزش قسمتی از دیوار و سقف دچار آسیب شده منتهی می‌شود. در قسمت شمالی و شرقی دیواره فضا آثار و شواهدی از چشمه که منبع تأمین کننده آب این آب‌انبار، قابل مشاهده است.

تونل‌های پلکانی صخره‌ای در چند نمونه از محوطه‌های اورارتویی از جمله اسلام تپه میان‌دوآب (Kliess, 1973: 105)، قلعه حیدری چالدران (Kliess, 1975: 22) (تصویر ۹)، محوطه برده کُتته مهاباد (اسمعیلی، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۷) و تونل‌های پله‌دار دیگری نیز در محوطه‌های اورارتویی خارج از ایران به ویژه، در شرق ترکیه (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۳۴۴-۳۵۳) قابل مشاهده است. این تونل‌ها غالباً با استفاده از شکاف‌های طبیعی صخره‌ها در پیچ‌وخم‌هایی به پایین هدایت شده‌اند. بیشتر تونل‌های شناخته شده به چشمه‌ها یا کنار رودخانه‌ها منتهی می‌شوند و بدین ترتیب محفوظ از دید دشمن تأمین آب قلعه را به عهده داشتند (کلایس، ۱۳۶۷: ص ۱۰۳). بر این اساس می‌توان کاربری این معماری صخره‌ای را آب‌انبار محوطه عنوان نمود. نمونه مشابه را در بسیاری از قلعه‌ها و محوطه‌های دفاعی می‌توان دید. این حوضچه‌ها در نقاط خاصی از صخره یا کوه که

مطالعه و بررسی فضا‌های صخره‌ای به‌خصوص گوردخمه‌های اورارتویی و مانایی باقی‌مانده در منطقه دارای سقف‌های مسطح و تخت می‌باشند. پیروی از ایجاد سقف به شکل مسطح موردی است که در کلیه آن‌ها و بدون استثنا به‌طور یکسان مراعات شده است (کارگر، ۱۳۶۸: ص ۵۵).

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۶

در بخش جنوب‌شرقی محوطه، بستر صخره‌ای واقع شده که پایین‌ترین قسمت محوطه محسوب می‌شود. هنرمندان حجار، در این قسمت، تونل مکعب مستطیل عمیقی در دل صخره تراشیده‌اند که به شیب نسبتاً ملایم و با جهت شرقی - غربی به سمت زمین امتداد پیدا می‌کند.

دهانه ورودی ساختار، رو به سمت غرب و برخلاف سایر معماری‌های صخره‌ای محوطه رو به فضای باز محیط پیرامون خود نیست، و رو به صخره کوه است. از این نظر امکان شناسایی این دستکند دشوار بوده و دور از دید دشمن است.

ارتفاع داخل فضا در حدود ۱۶۰ سانتی‌متر و عرض آن ۲ متر می‌باشد. که بعد از ورود به یک دالان طویل و تاریک با پوشش مسطح به طول ۱۱ متر در عرض ۲ و ارتفاع ۱۶۰ سانتی‌متری که تعداد ۱۸ عدد پله صخره‌ای در داخل آن در شیب غربی - شرقی محوطه تراشیده شده‌اند، منتهی می‌شود. ارتفاع پله‌ها در حدود ۴۰ سانتی‌متر می‌باشد (تصویر ۹).

آب باران یا برف در آن جاری می‌شد، ساخته می‌شدند (مُلازاده و محمدی، ۱۳۸۵: ص ۱۸). در سمت چپ این فضای دایره‌ای شکل پر از آب، اثر صخره‌ای دیگر (شماره ۷)، که چسبیده به دیواره این فضا قابل مشاهده است. که احتمالاً بهم وصل بوده و انباشت خاک و سنگ‌های داخل فضا امکان شناسایی دهانه متصل کننده این دو فضا را گرفته است. این غار در بین مردم محلی با عنوان قیرخ‌پله (چهل‌پله) معروف است. با این وجود در بررسی نگارندگان، تعداد ۱۸ عدد پله صخره‌ای شناسایی شد. که به نظر تعدادی پله نیز در زیر خاک مدفون شده است.

این تونل‌های صخره‌ای به لحاظ ساختاری تشابه قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر دارند و چه بسا هنرمندان سنگ‌تراش در احداث آن‌ها از منبع و سرچشمه واحدی الهام گرفته‌اند و در نیمه نخست هزاره اول ق.م. و با تأثیرپذیری از این سبک معماری، آثار مشابهی در محدوده مشترکی که دائم بین اورارتوها و ماناها دست به دست می‌شد، ایجاد شده است (خان‌محمدی، ۱۳۹۵: ۲۴۰).

سفال‌های سطحی محوطه

سفال به‌عنوان مهم‌ترین و فراوان‌ترین داده فرهنگی در اکثر محوطه‌های باستانی از اهمیت بالایی در مطالعات باستان‌شناسی برخوردار است. به نحوی که بسیاری از دوره‌بندی‌های تاریخی صورت

گرفته، بر مبنای مطالعات نمونه‌های سفالی می‌باشد. از این رو شناخت سفال هر دوره و هر منطقه یکی از بنیادی‌ترین مراحل مطالعات باستان‌شناسی است (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۸۳: ص ۱۰۵). متأسفانه در بیشتر مواقع در گاهنگاری آثار صخره‌ای به یافته‌های سفالی به تنهایی نمی‌توان اعتماد کرد، یکی از دلایل آن وجود استقرارهای بعدی در این قبیل محوطه‌هاست نمونه بارز آن می‌توان به تداوم سکونت در محوطه دستکند آزانفود همدان اشاره کرد که سفالینه‌های از دوره تاریخی تا اسلامی دارد.

طی بررسی سطحی نگارندگان در محوطه، سفال‌های شاخص زیاد جهت تاریخ‌گذاری شناسایی نشد. تنها دو قطعه سفال خاکستری عصر آهن و یک نمونه سفال لعابدار مربوط به قرون میانی اسلامی شناسایی شد. غالب سفال‌ها با پوشش گلی و بدون طرح بودند (تصویر ۱۰). در این محوطه همانند پناهگاه صخره‌ای بی‌بی‌کندی شهرستان شاهین‌دژ که متعلق به هزاره اول ق.م، درصد سفالینه‌های اسلامی بیشتر از انواع دیگر است.

بحث و تحلیل

از منظر تحلیل موقعیت جغرافیایی و نیز وجود آثاری از عصر آهن به‌خصوص آهن II و III و استقرارهای از این دوران در مجاورت ساختارهای صخره‌ای مورد مطالعه، این آثار با عصر آهن II و

III همخوانی دارد. بر این اساس ساختارهای صخره‌ای روستای ساری‌قیه از منظر مکانی با آثار صخره‌ای هزاره اول ق.م. به‌خصوص آثار صخره-ای روستای گویجه‌قلعه بخش قوری‌چای مراغه، قلعه حیدری چالدارن، داش قلعه عجب‌شیر و... و در نحوه عملکرد با معماری صخره‌ای غار کرفتو در کردستان، بی‌بی‌کندی و سماغان در شهرستان شاهین‌دژ (صایین‌قالا)، غار گلستان در شهرستان نیر استان اردبیل، اسلام تپه میان‌دوآب و... قابل مقایسه است. در این دسته از استحکامات، در کنار فضاهای طبیعی، باتوجه به نیازهایی که وجود داشت، فضاهای مختلفی در دل صخره، کنده شده است. با توجه به قرار گرفتن این واحدها در دیواره صخره‌ای کوه، امکان نفوذ دشمن به حداقل می‌رسیده و ساکنان آن‌ها می‌توانستند با حداقل امکانات در برابر دشمن قوی مقاومت کنند (مُلازاده و محمدی، ۱۳۸۵: ص ۱۶). طبق اسناد باستان‌شناختی، منطقه جنوب‌شرق دریاچه ارومیه؛ شامل دشت‌های مراغه، عجب‌شیر، بناب و میان‌دوآب در برهه‌ای از تاریخ، بین اواخر قرن نهم ق.م. تا اواسط قرن هشتم ق.م. در کشوقوس رقابت‌های منطقه‌ای برای تسلط بر آن، بین دولت‌های مانا و اورارتو و دخالت‌های آشور قرار گرفته است. بنابراین در بازه زمانی قرون ۸ و ۹ ق.م. منطقه مراغه جزئی از ایالت پادشاهی مانا به‌نام «اویش‌دیش» بوده است (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ص ۲۵۸). که نام این ایالت تنها در گزارش‌های

سارگن دوم آشوری آمده است. بر اساس لشکرکشی هشتم سارگن آشوری، اویش‌دیش منطقه‌ای از کشور مانا که اورسا آن‌را از آن خود کرده بود با آبادی‌های بسیار که چون ستارگان بی‌شمار بودند (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۱۶۰). در این مقطع زمانی کوه سهند را «اوائوش» خوانده می‌شد (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ص ۲۶۱). بر این اساس تعداد زیاد آبادی‌ها و باغات منطقه مراغه و مطابقت آن با توصیف صورت گرفته، جایابی مذکور را تأیید می‌کند. البته شهرستان‌های بناب، ملکان و عجب‌شیر نیز احتمالاً شامل این ایالت می‌شده است (مُلازاده، ۱۳۸۳: ص ۱۷۵). منوآ پس از تسخیر سکونتگاه مانا در داش‌تپه آن‌را به یک پادگان نظامی تبدیل می‌کند و سواره‌نظام وی در این مکان استقرار می‌یابد. وی بعدها به کمک این پادگان سرزمین‌های شرقی مانا را تا بخش شرقی دشت میان‌دوآب فتح می‌کند. احتمالاً تسخیر قلعه نظامی گویجه‌قلعه و تبدیل آن به پادگان نظامی اورارتو در دوره منوآ صورت گرفته است (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ص ۲۴). بر اساس سنگ‌نوشته‌های ظفرنامه‌ای و قلاعی از دوره اورارتو (مانند کتیبه داش‌تپه متعلق به منوآ)، در آرسلان‌تپه و شیطان‌تپه، شهرستان میان‌دوآب و داش‌قلعه، جوان‌قلعه و کتیبه متعلق به آرگیشتی اول (۷۸۶ تا ۷۶۴ ق.م.) در این منطقه شناسایی شده که نشان از پیروزی مقطعی آن‌ها (اورارتو)، بر این مناطق دارد (ناصری صومعه و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۱۵۶). اما در سال ۷۱۴

ق.م. یعنی هشتمین سال سلطنت سارگن دوم آشوری، وی ارتش خویش را علیه کشورهای شرق دریاچه ارومیه وارد جنگ کرد (خطیب-شهیدی، ۱۳۵۷: ص ۹۱). که پس از شکست لشکریان اورارتو از آشور در کشور اویش‌دیش، سارگن در طول ساحل شرقی دریاچه ارومیه به داخل کشور اورارتو نفوذ کرد (پیتروفسکی، ۱۳۸۳: ص ۱۶۱). این لشکرکشی با صدمات و آسیب‌های زیادی به زیر ساخت‌های اورارتویی همراه بود، اما دولت اورارتو همچنان استقلال خود را حفظ کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ص ۳۰). اما بر اساس شواهد باستان‌شناسی، حضور اورارتوها در مناطق غربی و جنوبی دریاچه ارومیه پس از لشکرکشی سارگن بر اورارتو غیر ممکن و غیرمستدل به نظر می‌رسد، زیرا در جریان تهاجم وی، این مناطق در مسیر لشکریان وی قرار داشت (مدودسکایا، ۱۳۸۸: ص ۱۹۴). بر این اساس این منطقه (مراغه)، شاهد تهاجم‌های اقوام مختلف بوده و در کنار قلعه‌سازی شاهد شکل‌گیری فضاهایی دستکند صخره‌ای با الگوبرداری از نمونه‌های اورارتویی و مانایی هستیم.

نتیجه‌گیری

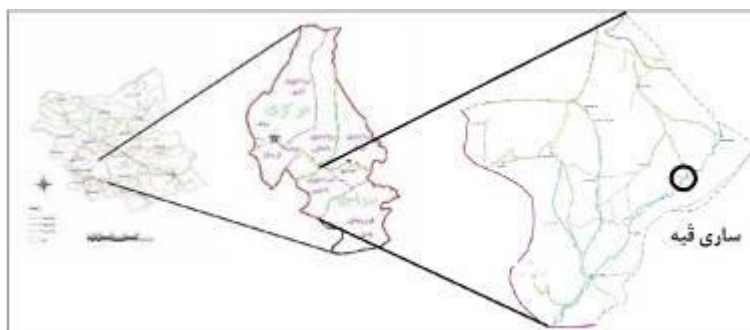
در بررسی آثار صخره‌ای، پی بردن به زمان ایجاد و دوره‌های زمانی استفاده از آنها از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. هر چند در باستان‌شناسی و معماری ایران علی‌رغم مطالعات زیادی

که در نواحی مختلف صورت گرفته، بسیاری از مسائل ساده هنوز روشن نشده است. از جمله مسائل گاهنگاری و تاریخ‌گذاری معماری صخره‌ای است. بر این اساس جهت گاهنگاری ساختارهای صخره‌ای از شیوه‌های مختلف از جمله کاوش در فضاهای که دارای لایه‌های تاریخی (کمک آثار و شواهد یافت شده از لایه)، و همچنین می‌توان با استفاده از شواهد معماری (پوشش سقف فضاها، عناصر تزینی)، به‌طور تقریبی به دوره‌های زمانی آن پی برد. با توجه به نبود کاوش باستان‌شناختی در محدوده مورد مطالعه، بنابراین، از راهکارهای پیشنهادی برای تعیین قدمت این آثار، توجه به استقرارهای اطراف، مقایسه پلان معماری و عناصر خاص با سایر موارد مشابه است. ورودی‌های چهارگوش شکل فضاها و پله‌های آب‌انبار آثار صخره‌ای روستای ساری‌قیه قابل مقایسه با مجموعه آثار صخره‌ای عصر آهن (II-III) منطقه از جمله گویجه قلعه مراغه، محوطه بی‌بی‌کندی، سماقان، اسلام تپه شهرستان میان‌دوآب و قلعه حیدری چالدارن است. به سبب اینکه آثار صخره‌ای مورد مطالعه در منطقه تحت نفوذ اورارتوها و مانهاست و با آثار صخره‌ای هزاره اول ق.م. منطقه مشابهت نسبی دارد؛ و همچنین در سطح محوطه سفالینه‌های از عصر آهن شناسایی شد بنابراین با قید احتیاط این هفت ساختار صخره‌ای کوهولکر دره‌سی روستای ساری‌قیه را به عصر آهن (II و III)، مربوط می‌دانیم. هرچند برای

- گاهنگاری دقیق‌تر آن باید کمی تأمل کرد و در صورت امکان با کاوش محوطه تاریخ‌گذاری دقیق‌تری برای این آثار ارایه نمود. متأسفانه، داده‌های ما راجع به آثار شهرستان مراغه بسیار ناچیز است و نیازمند مقایسه صحیح آن با آثاری هستیم که به‌طور دقیق گاهنگاری شده‌اند.
- تشکر**
- در پایان بر خود لازم می‌دانیم، از راهنمایی‌های احد یزدانی در شناسایی این آثار صمیمانه سپاسگزاری نمایم.
- پی‌نوشت**
- مردم منطقه در مورد این آثار صخره‌ای چنین روایت می‌کنند که این دستکندها توسط فرهاد کنده شده است. و بعدها شخصی بنام پُولادخان (فولادخان) به‌همراه سایر دوستانش در این غارها زندگی می‌کردند و علیه برادرش و در روایتی دیگر با دشمنی نامشخص مبارزه می‌کرده است و محل زندگی و پناه‌گاهشان این غارها بوده است.
- تونل صخره‌ای اسلام تپه میان‌دوآب، نیز همانند تونل صخره‌ای محوطه کوه‌وللر درسی روستای ساری‌قیه به دلیل تعدد پله‌ها در نزد اهالی منطقه و در زبان محلی (قرخ پله) به معنی چهل پله معروف است (خان‌محمدی، ۱۳۹۵).
- اسمعیلی، عبدالکریم، ۱۳۹۲، تحلیلی در معماری صخره‌ای و سفال عصر آهن III شمال‌غرب ایران با مطالعه موردی تپه برده کُتنه واقع در شهرستان مهاباد، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- بیرانوند، مسلم، ۱۳۹۲، بررسی و ارزیابی میراث کهن شهرسازی ایران با تأکید بر ضرورت بازشناسی سکونتگاه‌های زیرزمینی ایران، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۶۳-۷۸.
- پور محمدی، محمدرضا و نصرالله‌زاده ذکیه، ۱۳۹۲، بررسی عوامل مداخله‌گر در شکل‌گیری معماری صخره‌ای در نواحی روستایی نمونه موردی روستای کندوان استان آذربایجان شرقی، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۸، شماره ۴۹، صص ۸۱-۱۰۰.
- پیر محمدی علیشاه، فرهاد، ۱۳۹۰، پترولوژی ژئوشیمی و پتروژنز سنگ‌های آتشفشانی شرق و جنوب‌شرق آتشفشانی سهند با نگرشی ویژه بر سنگ‌های آذر آواری، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشگاه تبریز.
- پیوتروفسکی، بوریس، ۱۳۸۳، تمدن اورارتو، ترجمه حمید خطیب شهیدی،

- تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- حاجی‌زاده، کریم، ۱۳۷۴، بررسی الگوهای استقراری اورارتو در شمال غرب ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- خاماچی، بهروز، ۱۳۷۰، فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی، تهران: انتشارات سروش.
- خان‌محمدی، بهروز، ۱۳۹۵، نگاهی به معماری صخره‌ای اورارتویی در اسلام تپه میان‌دوآب آذربایجان غربی، پیمان، شماره ۷۵، صص ۲۴۱-۲۲۶.
- خطیب شهیدی، حمید، ۱۳۵۷، تمدن اورارتو در آذربایجان ایران، نشریه دانشکده، سال سوم، شماره دهم، صص ۸۲-۹۸.
- دیاکونوف، میخائیل، ۱۳۴۵، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- رازانی، مهدی، سید محمد امین امامی و علیرضا باغبان، ۱۳۹۵، طبقه‌بندی و تحلیل کاربرد معماری صخره‌ای در دامنه‌ی کوه آتشفشانی سهند در شمال غرب ایران، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۶، شماره ۲، صص ۴۱-۶۰.
- شکاری‌نیری، جواد، ۱۳۷۲، معماری صخره‌ای در آذربایجان و زنجان، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۲۴-۱۹.
- شهبازی، هدایت و فرناز منتظر، ۱۳۷۱، معماری صخره‌ای بافتی ارگانیک و پارادوکسی در طبیعت با رویکرد معماری پایدار نمونه موردی روستای میمند کرمان و روستای کندوان تبریز، ماه‌نامه بین‌المللی راه و ساختمان، صص ۶۱-۵۳.
- کارگر، بهمن، ۱۳۶۸، مقابر اورارتو در آذربایجان غربی، باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۲، صص ۵۷-۵۵.
- کلایس، ولفرام، ۱۳۴۸، معماری اورارتو، ترجمه غلامعلی همایون، بررسی‌های تاریخی، شماره ۴.
- کلایس، ولفرام، ۱۳۶۷، معماری اورارتویی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، اثر، شماره ۲۶ و ۲۷، صص ۱۰۵-۸۶.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۲، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ ۹، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- محمدی‌فر، یعقوب و اسماعیل همتی ازندریانی، ۱۳۹۵، مطالعه و بررسی معماری دستکند ایران، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۶، صص ۹۷-۱۱۰.

- کرمان، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی.
- Davies, Nikolas & Jokiniemi, Erkki, 2008, Dictionary of Architecture and Building Construction, Routledge.
- Emge, A. 1992, "Old Order in New Space: Change in the Troglodytes Life in Cappadocia", Traditional Dwellings and Sttllements Working Paper Series, 37: 1-13.
- Kempe, David. 1988, Living underground, Herbert Press London.
- Kleiss, W. 1973, Planaufham Uraraischer Burgen In Iranisch Azarbaidjan
- Kroll,Estephan, 1977, İran'daki Urartu Şehirleri, Urartu: Doğu'da Değişim, Hazırlayanlar K. Köroğlu – E. Konyar, 1.Baskı: İstanbul, Pp 150-169.
- Nisar khan, 2014, Architecture of the Rock-CutTemples of Masroor, Heritage and Us, 30-43.
- W. Kliess, 1973 «Planaufnahmen Urartaischer Burgen und Neufunde Urartaischer Anlagen in Iranisch - Azerbaidjan im Jahre 1973 », A. M. I, p. 105.
- , 1976 «Urartaische Plätze im Iran (Stand der Forschungherbst 1975) », A. M. I, band.9, p. 19 – 44.
- Warvik, Ball, 1979, The Imamzadeh Masum at Vardjovi: A Rock-Cut Il-khanid Complex near Maragheh, Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin, 1979, vol. 12, pp. 329-340.
- Yildiz, van hulsteyn, 1981, Urartian Built Rock – Cut Tombs, Bryn mawr college Phd, University Microfilms International.
- مدود سکایا، اینا، ۱۳۸۸، پایان حضور اورارتو در حوضه دریاچه ارومیه، باستان-شناسی آذربایجان از اورارتو تا شروع اشکانی، گروه مولفان، ترجمه محمد فیض‌خواه و صمد علیون، تبریز، اختر، صص ۱۹۴-۲۱۰.
- مروارید، یونس، ۱۳۶۰، افزاره رود، تهران: انتشارات اوحدی.
- مُلازاده، کاظم و مریم محمدی، ۱۳۸۵، قلاع و استحکامات نظامی، تهران: انتشارات سوره.
- ملازاده، کاظم، ۱۳۸۳، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی مانا، پایان‌نامه دکتری رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- مهرآفرین، رضا و محمد صادق روستایی و جواد علائی مقدم، ۱۳۹۳، سفال داغدار سفال شاخص اشکانی سیستان، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۶، دوره ۴، صص ۱۰۵ – ۱۲۲.
- ناصری صومعه حسین؛ فیروزمندی، بهمن؛ سعادت، محسن، ۱۳۹۴، مطالعه و بررسی باستان‌شناختی گویجه‌قلعه، مطالعات باستان‌شناسی شماره ۱۱، صص ۱۶۵ – ۱۴۷.
- همایون، غلامعلی، ۱۳۵۴، فلسفه معماری صخره‌ای و تمرکز در روستای میمند



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی روستای ساری قیه (نگارندگان)



تصویر ۱: دره پایین دست محوطه و رودخانه لیلانچای



تصویر ۲: نمایی از کوه کوهولر دره‌سی (ساری قیه)



تصویر ۳: اثر صخره‌ای شماره ۱



تصویر ۴: اثر صخره‌ای شماره ۲



تصویر ۵: اثر صخره‌ای شماره ۳



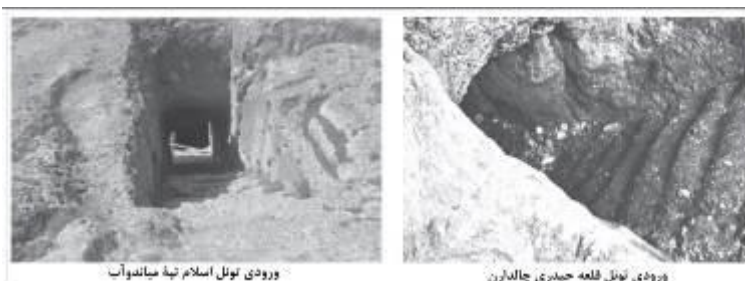
تصویر ۶: اثر صخره‌ای شماره ۴



تصویر ۷: پله‌های صخره‌ای داخل فضای اثر صخره‌ای شماره ۵



تصویر ۸: اثر صخره‌ای شماره ۶



ورودی تونل اسلام تپه میاندوآب

ورودی تونل قلعه حیدری چالدران

تصویر ۹: دو نمونه از تونل‌های صخره‌ای هزاره اول ق.م آذربایجان - ایران



تصویر ۱۰: سفال‌های محوطه کوهوللر دره‌سی ساری‌قیه

جدول ۱: مشخصات سفال‌های محوطه کوه‌لردرّه‌سی ساری‌قیه

شماره ثبت	موقعیت	رنگ	شکل	نوع سفال	نوع سفال	نوع سفال	نوع سفال	نوع سفال	نوع سفال	نوع سفال	نوع سفال								
۱	لبه	چرخ‌ساز	ماسه ریز	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	سفال خاکستری عصر آهن								
۲	بدنه	چرخ‌ساز	ماسه ریز	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	سفال خاکستری عصر آهن								
۳	بدنه	چرخ‌ساز	کائولین	سبز - فیروزه	سفید	سبز	سبز	سبز	سبز	کافی	نقاشی زیر لعاب	ایلخانی							
۴	لبه	چرخ‌ساز	ماسه ریز	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	گلی رقیق	کافی	کنده	اسلامی				
۵	لبه	چرخ‌ساز	شن ریز	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	کافی	ندارد	اسلامی		
۶	لبه	چرخ‌ساز	ماسه ریز	قهوه‌ای روشن	سیاه	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	کافی	ندارد	اسلامی
۷	کف	چرخ‌ساز	ماسه ریز	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	کافی	ندارد	-